بسم الله الرحمن الرحیم

# استاد طباطبایی حفظه الله

# بحث واجب نفسی و غیری

# جلسه ۱۲/۰۸/۴۰۰

# تذنیبان بحث واجب نفسی و غیری:

مقرر یزدانی

مرحوم آخوند رحمة الله علیه دو تذنیب ذکر کردند :

در تذنیب اول ذکر کردند که در واجب غیری بما هو واجب غیری برای انجام ثوابی مترتب نیست و در ترک نیز عقابی مترتب نیست بما هو واجب غیری.

بحث دوم عقاب مترتب بر ترک ذی المقدمه در واجب غیری از هنگام ترک مقدمه و یا از زمان ترک واجب ، می فرمایند لا بأس به اینکه بگوییم عقاب از زمان ترک ذی المقدمه است.

بحث سوم هم راجع به برخی از مقدمات است که طبق برخی روایات بر آنها ثواب مترتب است ، این ها به شکل است؟ و بعد هم بحث طهارات ثلاث و عبادیت این طهارات را مطرح می کند.

## راجع فرمایش اول:

در واجبات نفسی انجامشان مستحق ثواب است. و اگر ترک کرد مستحق عقاب است. و این ثواب و عقاب بر خود واجب نفسی مترتب است. یعنی اگر امر آمد و او امتثال کرد و یا نهی آمد و اجتناب کرد بر این امتثال و ترک ثواب و عقاب مترتب است.

در واجبات غیری اینطور نیست ، بما هو واجب غیری ، ترک و فعلش عقاب و ثوابی ندارد بلکه عقاب به خاطر واجب نفسی است و نه غیری و ثواب نیز به خاطر واجب نفسی است و نه غیری.

بخاطر اینکه این ثواب از تبعات قرب و عقاب از تبعات بعد مولاست و اینها از تبعات فعل و ترک واجبات نفسی است.

## اینکه واجبات غیریه اینگونه اند را بوجوهی معلل کردند:

1. عقل عقلا حاکم در باب استحقاق عقابند. اینها هیچ گاه ترک واجب غیری را موضوع و مستحق عقوبت نمی دانند. اگر کسی مقدمات عدیده ای را ترک کرد کسی نمی گوید این فرد مستحق عقابهای متعدد است.

پس عقلایی که حکم به عقوبت می کنند که چه کسی مستحق عقاب است ،‌ در این مورد حکم به عقوبت نمی کنند.

برگشت به این می کند که استحقاق عقوبت و عدم استحقاق یک امر عقلایی است و در عرف عقلا وقتی مولا امر می کند عبد خود را اگر انجام داد مستحق ثواب و اگر ترک کرد مستحق عقاب می دانند و می گویند حقش است که مثلا مولا او را کتک زد چرا که امر را ترک کرده. همین عقلا نمی گویند در مورد مقدمات غیری باید عبد عقاب شود.

شاهد اینکه اگر واجب غیری که چند مقدمه داشت را ترک کنند نمی گویند یک عقاب بخاطر عقاب و چند عقاب بخاطر مقدمات متعدده داشته.

اگر بنا باشد ترک واجب غیریه عقاب داشته باشد باید عقلا حکم به تعدد عقاب کنند در جایی که واجب نفسی با چند مقدمه ترک شده باشد در حالیکه حکم به تعدد عقاب نمی کنند.

این در صورتی است که عقلا را حاکم نسبت به ثواب و عقاب بدانیم ولی اگر بخواهیم از طریق عقل وارد شویم باید برهان بیاوریم.

## راه برهانی مرحوم محقق اصفهانی رحمة الله علیه :

مرحوم محقق اصفهانی رحمة الله علیه دلیل عقلی و برهان آوردند: بعثی که در وجوب غیری هست نشأت گرفته از بعث واجب نفسی است و در نتیجه انبعاث از وجوب غیری ، به تبع از بعث و انبعاث از وجوب نفسی خواهد بود. در نتیجه معنایش تبعی بودن بعث و انبعاث در واجب غیری از بعث و انبعاث در واجب نفسی است.

اصولا وقتی کسی را امر می کنند به واجب نفسی که مقدمه ای دارد ، منبعث از امر نفسی می شود و ارتکاذا امر غیری را هم می آورد و انبعاث از امر غیری ارتکاذا به دنبالش می آید. یعنی انبعاث از امر غیری مستقل نیست و انبعاث از امر نفسی انبعاث از غیری و مقدمه را به دنبال خودش دارد.

وقتی اینطور شد خود امر غیری از خودش انبعاثی ندارد و هر چه هست از واجب نفسی است. وقتی در بعث و انبعاث تابع او بود نمی تواند ثواب مستقل داشته یا عقاب مستقل داشته باشد. وقتی در انبعاث و عدم انبعاث تابع او بود در آثار نیز تابع انبعاث و عدم انبعاث یعنی در ثواب و عقاب هم تابع اوست. یعنی اثر مستقل ندارد .

اثر این انبعاث و عدم انبعاث که قرب و بعد یا ثواب و عقاب است، مستقل نخواهد بود. یعنی ثواب و عقاب در واجب غیری که از آثار انبعاث و عدم انبعاث است مستقل نخواهد بود و به تبع واجب نفسی است. و ترک واجب غیری ، عقاب مستقلی برای خودش نخواهد داشت.

ربما یقال که این بیان هر چند صورت خوبی دارد، مسئله را برهانی نمی کند و ما باید راه دیگر برویم. که ترک انبعاث در غیری باعث عقاب نمی شود ، اینگونه اگر گفتیم باید راه دیگری را برویم.

## راه برهانی مرحوم سید استاذ رحمة الله علیه :

راه دیگر: به سید استاذ نسبت داده شده،‌ این وجه سوم اینست ، وقتی کسی مقدمه ی واجب را می خواهد انجام دهد یا تصمیم بر انجام ذی المقدمه دارد یا نه؟ وقتی می گوییم ذی المقدمه منظور در واجب غیری که مقدمه است برای یک واجب نفسی. کسی که می خواهد واجب غیری انجام دهد یا بنا دارد ذی المقدمه یعنی واجب نفسی را انجام دهد یا خیر؟

اگر بنا دارد که ذی المقدمه را انجام دهد، از ناحیه اینکه بنای انجام واجب نفسی را دارد منبعث به مقدمه می شود. این واجب از بابت غیری بودن به امر نفسی می رسد. و از ناحیه امر غیری انبعاث و عدم انبعاثی نیست بلکه از ناحیه امر نفسی است که می خواهد مقدمه اش را انجام دهد.

ولی اگر بنای انجام ندارد ،‌ هر چند مقدمه را انجام دهد بنای انجام ذی المقدمه را ندارد. متعلق امر غیری را اتیان نکرده و مقدمه امر غیری ذی المقدمه است. وقتی متعلق امر را انجام ندادی ، چگونه می خواهی ثوابی مترتب شود؟

مقدمیت مقدمه حیثیت تعلیلیه است یا حیثیت تقییدیه است ؟ در این بحث است. در محل کلام ما خیلی فرق ندارد.

* یک بحث اینکه امر غیری که به مقدمه تعلق می یابد و موضوعش مقدمه است بما هو مقدمه یعنی موضوعش تعلق به مقدمه گرفته .
* یک بحث اینکه به ذات تعلق می گیرد و لکن مقدمه حیثیت تعلیلیه است. یعنی اگر حیثیت تقییدیه باشد می شود جزء موضوع و اگر حیثیت تعلیلیه باشد می شود خارج از موضوع.

هر کدام که باشد ( تقییدیه یا تعلیلیه) این مقدمیت مقدمه دخالت دارد، اگر کسی این مقدمه را انجام دهد اما نه برای اینک ذی المقدمه را انجام دهد دیگر به عنوان مقدمه انجام نمی دهد بلکه به عنوان دیگر آوردی.

پس بنابر این وقتی مقدمه را انجام دهد و نمی خواهد ذی المقدمه را انجام دهد یعنی متعلق امر غیری را نیاورده. و در صدد امر نفسی نیست و نه موافقت امر غیری. و اگر نمی خواهی امر را انجام دهی چه توقعی از ثواب داری؟

اگر قصد انجام ذی المقدمه را دارد ثواب به آن امر نفسی تعلق گرفته و نه بر آن امر غیری، و اگر قصد انجام واجب و ذی المقدمه را ندارد در اینجا همینطور عملی را انجام داده که مقدمه است و دیگر ثواب و عقابی برای چه؟ متعلق امر غیری را انجام نداده تا از این ناحیه توقع ثواب داشته باشد.

خصوصا اگر قائل بشویم که واجب کل مقدمه نیست بلکه مقدمه موصله است و کسی که قصد انجام مقدمه موصله را ندارد یعنی مقدمه بدون ذی المقدمه ،‌ وقتی این مقدمه موصله را ایجاد نکرده توقع چه ثوابی دارد؟ به هر حال ما نمی توانیم ثواب را بر موافقت امر غیری ثابت کنیم و اگر ثوابی هست بر اتیان امر نفسی است.

این را به عنوان وجه برهانی بیان کردند و این را نهایت می گویند اثبات می کند که اتیان ثواب ندارد و نمی گوید ترک هم عقاب ندارد. یک طرف را درست می کند و یک بخش می ماند.

بهترین راه همان وجه اول است می خواهد حاکم عقل باشد یا حکم عقلا. این بالبداهت معلوم است، اگر کسی هم واجب و هم ذی المقدمه را ترک کرد محکوم نمی کنند به دو عقاب . مثلا اگر امر به خرید گوشت کرد مولا و عبد نرفت ،‌ دو عقاب نمی کنند، یکی برای نرفتن به بازار و یکی برای خرید نکردن گوشت. یا اگر بخواهند ثواب دهند دو ثواب مثلا برای رفتن بازار نمی دهند.

نتیجه اینکه این امر واضحی است که ترک واجبات غیریه را موضوع مستقل نمی دانند و به علت همان واجب نفسی است. و برای انجام واجب غیری ثواب مستقلی قائل نیستند.

مطلب بعدی : اگر مقدمه را ترک کرد آیا عقاب از حین زمان ترک مقدمه است یا از حین زمان ترک واجب؟ مرحوم آخوند رحمة الله علیه می فرماید لا بأس به اینکه از حین ترک مقدمه.

و السلام